

توسل به اقدامات غیر مشروع در جهت تحصیل دلیل جزایی

اسماعیل قمری^۱، اکبر وروایی^{۲*}، مسعود قاسمی^۳

چکیده

مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و اصول قانون اساسی توسل به اقدامات غیر مشروع و غیرقانونی در خصوص کسب ادله جزایی ممنوع می‌باشد و هر اقدامی که در این زمینه بدون اتکا به قوانین موضوعه صورت پذیرد اولاً بدلیل عدم تحصیل دلایل از طریق غیر مشروع مسموع نمی‌باشد و ممکن است شخصی که اقدام به اقدامات محیله و غیرقانونی در به دام انداختن افراد در ارتکاب بزه می‌نماید. و در واقع آن‌ها را تشویق، تحریک، تطمیع و ... می‌نماید مطابق با ماده ۱۲۶ ق.م.ا به عنوان معاون بزه تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. تمام فرآیند دادرسی جزایی از ابتدا تا انتها باید مطابق نص صریح قانون انجام بگیرد و قانون فصل‌الختم هر دعوی باشد در نتیجه نمی‌توان قسمتی از دادرسی جزایی که از طریق غیر مشروع انجام شده است به کل فرآیند دادرسی سالم تزریق نمود بی‌شک قضات شریف که با اتکا به وجدان بیدار خود رای صادر می‌نمایند هیچگاه دلایلی که از طریق نامشروع کسب گردیده است را با توسل و اتکا به شیوه‌های غیر معمول و غیرقانونی در تحصیل دلیل جزایی تعمیم نمی‌دهند. هدف از این مقاله تعیین معیارهای عملی و کارآمد در تضمین یک «دادرسی منصفانه» در قلمرو آیین دادرسی کیفری و هدایت و ارشاد قانونگذار در تهیه و تدوین دلیل اثبات در امور کیفری به عنوان مهمترین فصل از فصول آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحصیل دلیل، دلیل جزایی، اقدامات محیله، دادرسی منصفانه.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استاد دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) akbarvarayi@iran.ir

۳. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

در حقوق حوزه جزایی اصل بر برائت است و از همین منظر از دیدگاه مقنن کیفری کسی میزه شناخته نمی‌شود، مگر اینکه به بزه او در محکمه صالحه رسیدگی شود و مجرمیت وی با اثبات به دلایل مشروع و قانونی اثبات گردد. وقتی صحبت از دلایل مشروع می‌شود منظور دلایلی است که از راه قانونی و مشروع که مقنن صراحتاً بیان نموده است تحصیل گردد. و به دلایلی که از راه غیر مشروع کسب گردیده است ترتیب اثر داده نمی‌شود. در نتیجه گرفتن اقرار از طریق زور و جبر ممنوع است. و همچنین توسل به اقدامات محیلا نه نیز فاقد ارزش قضایی نزد قاضی می‌باشد. در این مقاله سعی شده است که توسل به اقدامات غیر مشروع در جهت تحصیل دلیل جزایی از منظر حقوق جزایی و قانون اساسی مورد ارزیابی قرار بگیرد.

بر اساس قوانین موضوعه خاصه قانون آیین دادرسی کیفری دلایل معتبر و واجد ارزش اثباتی باید از سوی قانونگذار مشخص گردد تا اصحاب دعوا از تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزش قضایی امتناع کنند و همچنین راه‌های کسب دلیل که بیشتر از سوی ضابطان دادگستری صورت می‌پذیرد باید مستند به قانون باشد و از اقدامات خودسرانه ممانعت بعمل آید و همچنین شیوه‌های صحیح تحصیل ادله و ضوابط خاص ناظر به آن مشخص گردد تا از توسل به شیوه‌های غیرقانونی و نامشروع در تحصیل و تقدیم دلیل که گاه باعث بطلان دادرسی می‌گردد، جلوگیری گردد نظام دادرسی در کشور ما بر اساس مضامین و فرامین دین مبین اسلام است و از تحقیقات مقدماتی تا ختم دادرسی باید مستند به قانون باشد سوالی که در اینجا مطرح است این است که؛ آیا ضابطین دادگستری با استناد به اصل آزادی تحصیل دلیل می‌توانند آزادانه به تحصیل دلیل پردازند؟ فرضیه‌ای که در این راستا بنظر می‌رسد این است که تحصیل دلیل باید از راه مشروع و قانونی انجام پذیرد و استناد به اقدامات محیلا نه در به دام انداختن افراد و سوق دان آنان به جرم امکان مجازات آن‌ها را فراهم می‌نماید.

۱- مفاهیم

در این قسمت سعی شده است تعاریف و مفاهیمی که در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته‌اند را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- مفهوم دلیل

دلیل در معانی زیادی بکار می‌رود که در این تحقیق سعی شده است از بعد نزدیک به موضع از منظر لغوی و اصطلاحی مورد مطالعه قرار گیرد.

۱-۱- مفهوم لغوی دلیل

دلیل در لغت به معنای راهنما و چیزی است که برای اثبات امری به کار برده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۷: ص ۲۴۹) همچنین دلیل را به معنای راهنما، راهبر، رهنمون و راه نماینده معنی نموده‌اند. (معین و همکاران، ۱۳۷۷: ص ۱۹۱).

۱-۲- مفهوم دلیل در اصطلاح

درباره تعریف ادله از نظر اصطلاح علم حقوق، اتفاق نظر وجود ندارد؛ کارشناسان این فن، هر کدام تعریف خاص خودشان را از این واژه ارائه داده‌اند و برخی تعاریف دیگران را نیز به بوته نقد گرفته‌اند. در نتیجه مهمترین تعاریف ارائه شده را در ذیل بیان می‌داریم:

دلیل به معنای آنچه وجدان قاضی را در ثبوت ادعایی اقناع می‌نماید. (صدرزاده افشار، ۱۳۷۶: ص ۳).

دلیل از منظر دیگر هر آنچه که به نحوی راهنماکننده‌ی اندیشه باشد هر چند در حل مجهول ناتوان باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۳۱۲). دلیل یعنی چیزی که در جهت ثبوت امری در دعوی بکار گرفته می‌شود هر امری که جنبه اثباتی دارد و کاشف از امری می‌باشد دلیل نامیده می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۸: ص ۳۰۹).

۱-۲-۱ دادرسی کیفری

موضوع دادرسی کیفری تنظیم و نظم بخشیدن به محاکم کیفری است. در وحله نخست دادرسی جزایی، تشکیلات و صلاحیت‌های محاکم گوناگون که وظیفه آن‌ها حل و فصل اختلافات می‌باشد، را مشخص می‌نماید. دادرسی جزایی قواعدی را بر شمارد. و تعیین می‌نماید که در طول دادرسی لازم است که رعایت گردند تحقیق و تعقیب بزه ارتكابی و کشف و قضاوت بزه‌کار در جلسه دادرسی که باید اجرا گردند و در نهایت دادرسی جزایی قدرت و اثرات حکم‌های کیفری و راه‌ها تجدید نظر علیه این قضاوت را تعیین می‌نماید. (استفانی، ۱۳۷۷: ص ۱).

۲- نظام حاکم بر تحصیل ادله اثبات دعوی در حقوق جزایی ایران

در ایران پس از انقلاب اسلامی در نظام مقننی با الهام گرفتن از شاخص‌های دادرسی اسلامی، من‌الجملة؛ قاعده تدرء الحدود بالشبهات، و لزوم قطع و یقین برای قاضی می‌توان گفت نظام ادله معنوی در نظام دادرسی جزایی ایران همچنان تثبیت گردیده است. درستی این ادعا را می‌توان در مفاد مواد ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۶، ۲۱۱ و ۲۱۲ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ مطالعه نمود که مقنن کیفری به تحصیل اقناع وجدانی برای قاضی محکمه در کشف حقیقت اشاره نموده است. هر چند در جرایم مستوجب حد و قصاص و دیه با الهام گرفتن از مقررات فقه کیفری اسلام، مقنن از نظام ادله قانونی پیروی نموده است به این معنا که ادله اثبات دعوی را احصاء نموده است، لیکن این لزوماً به معنای

پذیرش مطلق نظام ادله قانونی نیست چرا که مطابق ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی، اگر علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد و علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست. با عنایت به آنچه بیان گردید بنظر می‌رسد که در نظام کیفری ایران ادله‌ی اثبات دعوا براساس دلایل معنوی استوار باشد. مقنن در شق ۱۶۰ ق. م. ا. بیان داشته ادله اثبات بزه عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است. با وجود این در مواردی که دعوای جزایی با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد اثبات می‌شود، قاضی به استناد آن‌ها رای صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد. در عین حال، هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد مشروط بر اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر، موجب علم قاضی شود. لازم به ذکر است که نظام ادله معنوی در هر دو مورد دادرسی حقوقی و کیفری جدید مورد پذیرش واقع شده است. (صادقی منوچهر، ۱۳۹۵، ۱۷-۳).

۳- مشروعیت تحصیل دلیل

اقامه نمودن دعوا علیه کسی که بیگناهی او به سبب اصل برایت فرض گردیده است محکوم نمودن وی با توسل به اقدامات محیلا نه و توسل به کسب دلیل از راه نامشروع و غیرقانونی پذیرفته و مسموع نیست. چرا که این نوع رفتار با عدالت و منطق حقوق کیفری سازگار نبوده، و اسباب توالی فاسد را به همراه دارد. که توالی فاسد آن متوجه دستگاه قضایی و جامعه می‌گردد. (تر خانی، ۱۳۸۶، ۱۵۲). در هر نظامی دولت بعنوان حافظ نظم عمومی و اجتماعی اشخاص قلمداد می‌گردد. و حقوق شهروندان را با تعامل در محاکم دادگستری تامین و تضمین بنماید چون بر این اساس است که شهروندان در سایه‌ی دولت قانون‌مدار و نظام‌مند این توان را دارند که از زندگی مطلب بر خوردار گردند در واقع در یک دولت قانون‌مدار، «هدف نمی‌تواند با هر شکل و با هر وسیله‌ای توجیه گردد لذا ضروری است که تعادل بین کارآمدی سیستم کیفری و تضمینات حقوق بشری بی‌وقفه و مداوم باید برقرار گردد. هر چند تحصیل دلیل در دعوای جزایی به صورت آزادانه پذیرفته شده اما این به معنی توسل به اقدامات غیرمشروع در جهت تحصیل دلیل نمی‌باشد به این صورت که اولاً صرفاً ادله‌ای قابلیت استناد یافته‌اند که مشروع باشند یعنی از سوی مقنن یا رویه قضایی ممنوع اعلام نشده باشند (مشروعیت دلیل) و ثانياً این ادله مشروع و قانونی از راه‌ها و شیوه‌های مشروع تحصیل شده باشند (مشروعیت تحصیل دلیل). در نتیجه، اگرچه می‌توان با توسل به انواع و اقسام ادله (قانونی)، مبادرت به اثبات بزه نمود اما به هر طریق و شیوه‌ای نمی‌توان متوسل شد، فرضاً، اقرار دلیل قابل قبولی است اما اقراری که با اعمال شکنجه اخذ شده باشد مرسوم است.

اصل سی و هشتم قانون اساسی به صراحت بر این مهم تأکید دارد.^۱ به همین علت است که معمولاً به دنبال قاعده آزادی دلیل، بحث مشروعیت شیوه تحصیل دلیل مطرح می‌گردد و هرگونه دلیل غیرقانونی را محکوم می‌کند. مشروعیت که گاه از آن تحت عنوان «رعایت صحت و امانت» یاد می‌شود، مفهوم مطلقی نیست. تحول این مفهوم در طی قرون متمادی که تا امروز نیز امتداد یافته است (تحول روی محور زمان) و نیز از مکانی به مکان دیگر (تحول روی محور مکان) گویای آن است که مشروعیت نسبی است. اما آنچه که در بدو امر از مشروعیت فهمیده می‌شود، عمل مطابق با قانون است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۹۵۳) ولی ارائه تعریف برای چنین مفهومی بسیار دشوار است «و شاید به همین لحاظ است که مقنن آن در این راه قدم نمی‌گذارند و خود را به دست ناهمواری‌های اجتناب‌ناپذیر این مسیر نمی‌سپارند. در عوض، آموزه‌های ارائه شده توسط علمای حقوق و نیز رویه قضایی در ایضاح این موضوع نقش مهمی داشته است. به همین لحاظ، درک مشروعیت نحوه تحصیل دلیل با جستجو و کنکاش در ارای مختلف و توری مجموعه‌های رویه قضایی ممکن است. این مفهوم در واقع «بسان شکلی است خمیری که از دیرباز در دست قضات پیکرتراش قرار گرفته، هر روز متحول می‌شود و بر ظرافت آن افزوده می‌گردد، اما هنوز طرح ثابتی به خود نگرفته است، با این حال، خطوط اصلی چهره آن مشخص شده است.» (پورزند مقدم، ۱۳۷۹، ۲۶). این خطوط همانا احترام به شخصیت انسان و حفظ اعتبار دادگستری است. بحث مشروعیت یا تبعیت از قانون قلمرو خود را معطوف به موضوع دلیل و نحوه تحصیل آن نموده است. ارائه دلیل به ظاهر قانونی و مشروع، چنانچه به راه‌ها نامشروع و غیرقانونی، تحصیل شده باشد و یا به عبارت دیگر، «رعایت امانت در تحصیل آن نشده باشد، در برخی موارد، سبب سلب ارزش اثباتی آن دلیل می‌گردد. عدم احترام به تمامیت جسمانی افراد و نقض حریم خصوصی زندگی آن‌ها یا برانگیختن فرد به ارتکاب بزه و توسل به مکر و خدعه در تحصیل دلیل امری مذموم و ناپسند تلقی می‌گردد و چنانچه ادله پیشین و فرآیند دادرسی را تحت تأثیر قرار نداده و آن‌ها را از درجه اعتبار ساقط نسازد، حداقل فی‌نفسه می‌تواند فاقد ارزش قانونی به حساب آمده و از اعداد ادله معتبر خارج گردد. توجه به این نکته که علیرغم عدم رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل، در برخی موارد، ادله قانونی و مشروع تحصیلی را از اعتبار نمی‌اندازد و قدرت اثباتی آن‌ها را در

۱. هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار با کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخصی به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». اصلی آزادی در تحصیل دلیل در گام نخست به دنبال تضمین امنیت عمومی و حقوق اجتماع است ولی نباید فراموش کرد که به همان میزان که امنیت عمومی حائز اهمیت است، امنیت شخصی و حقوق فردی نیز مهم و قابل توجه است؛ در واقع «برای تضمینی همین امنیت شخصی که اجازه حمایت از شهروندان در مقابل استبداد و خود رای دولتمردان را می‌دهد، است که باید جستجوی ادله با رعایت اصلی قانونی بودن یعنی با رعایت مجموعه قواعد حقوقی که اجتماع را ساماندهی می‌کند، همراه باشد.

پیشگاه مرجع جزایی حفظ می‌نماید، بحث نسبی بودن مشروعیت در تحصیل نمودن دلیل را بهتر نشان می‌دهد. در اینجاست که نقشی رویه قضایی و دکترین بیشتر جلوه می‌کند چرا که در مباحث آتی خواهیم دید که تعیین حدود و ثغور مشروعیت یا عدم مشروعیت یک شیوه در تحصیل دلیل از لابه لای نظرات علمای حقوق و آرای قضایی، معلوم و مشخص می‌گردد اما آنچه که در اینجا می‌توان به طور خلاصه به آن اشاره کرد این است که الزام به تحصیل مشروع ادله صرفاً به مقامات دولتی و نه شاکیان خصوصی تحمیل می‌گردد؛ در نتیجه صرفاً این مقامات دولتی و قضایی هستند که ملزم به رعایت اصلی صحت و امانت داری در تحصیل نمودن دلیل اند چرا که آنها تابع قانون آیین دادرسی جزایی و الزامات آن هستند و اجرای این قواعد و مقررات برعهده آنهاست». (ماری بارل، ۲۰۰۷، ۴).

۴- قانون محوری در تحصیل دلیل

هر چند به عقیده برخی حقوقدانان، «قانون محوری توجه به راه‌های مناسب و شرعی کسب دلیل است ولی این راه‌های مناسب کسب دلیل، باید با خطر اجتماعی ناشی از بزه در تناسب باشد و همین امر نیز بیانگر نسبی بودن مشروعیت است. در واقع، گاه طریقی که برای تحصیل دلیل یک بزه با درجه اهمیت پایین، روشی نامشروع به شمار می‌رود، همان طریق برای بزه دیگری با اهمیت بیشتر، روشی مطلقاً مشروع تلقی می‌گردد. با این وجود، اصل تناسب شیوه تحصیل دلیل با اهمیت بزه ارتكابی را نباید تا آنجا پیش برد که به نوعی مورد استفاده توجیه‌گرانه برای راه‌ها غیر مشروع جمع‌آوری دلیل قرار گیرد» (پورزند مقدم، ۱۳۷۹، ۳۲).

۵- رویکرد رویه قضایی نسبت به مشروعیت تحصیل نمودن دلیل

رویه قضایی خواه به مفهوم مجموع آرای قضایی و خواه به معنای روش یکسانی که دست‌های از محاکم در خصوص یکی از مسائل حقوقی در پیش می‌گیرند، یکی از اساسی‌ترین عناصر سازنده حقوق به شمار می‌رود و نقش اساسی و سازنده‌ای در همه نظام‌های حقوقی موجود در تشخیصی حدود و ثغور اقدامات قانونی و معتبر دارد. در بسیاری از موارد طرح اولیه قوانین را در اذهان مقنن ترسیم می‌سازد و حتی می‌توان گفت رویه قضایی به ویژه آراء وحدت رویه، به عنوان تفسیر قضایی قوانین، در مقام بیان مقصود مقنن و معنی درست قانون، چارچوب و محتوای اصول و قواعد حاکم بر مسائل حقوقی را تبیین و ترسیم می‌نماید. رویه قضایی در قلمرو امور جزایی بخصوص مسائل مربوط به آیین دادرسی نیز همواره مورد توجه و کنکاش بوده است تا آنجا که شناخت برخی از مفاهیم، اصول و تشریفات حاکم بر دادرسی‌های جزایی و تعیین قلمرو و حدود آنها به رویه قضایی واگذار گردیده است. نمونه آشکار این رویکرد را در ارزیابی نمودن ادله

می‌توان ملاحظه کرد، چون که «وسایل اثباتی به عنوان دلیل که در امر کیفری به کار می‌رود، خیلی بیشتر و متنوع‌تر از آن‌هایی است که در دعاوی حقوقی استفاده می‌گردد و تعیین ارزشی این دلایل به عکس امور مدنی به عهده قاضی محول گردیده است.» (خزانی، ۱۳۸۷، ص ۷۱). «درک مفهوم اصولی چون اصل تحصیل آزادانه دلیل که در دعاوی جزایی پذیرفته شده است و همچنین آشنایی با بعضی از محدودیت‌ها که به این اصل وارد شده است، به ویژه شناخت اینکه ادله قانونی صرفاً باید به راه‌ها قانونی یعنی با احترام به اصل مشروعیت تحصیلی دلیل کسب شده باشند، صرفاً در پرتو رویه قضایی امکان‌پذیر است. در اصل یکصد و شصت و ششم آمده است که: احکام محکمه باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. ادله در استدلال رای و رسیدگی به آن‌ها به درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که همواره محاکم عالی انتظامی قضات، توجه دادرسان را به این موضوع جلب نموده است.» قانون اساسی^۱ برای اجرای عدالت در زمینه تحصیل دلیل، در اصول قانون اساسی بر استقلال قضات تاکید کرده است تا در هنگام جمع‌آوری ادله، هیچ مقامی نتواند آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین در اصل سی و هشتم قانون اساسی آمده است که «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است.» فحوی قوانین آیین دادرسی جزایی، رعایت مشروعیت در کسب دلیل را پیش‌بینی کرده است که می‌توان به ضرورت تنظیم کتبی تحقیقات توسط بازپرسی یا دادیار، حق سکوت متهم، اصلی براءت، ضرورت اقرار و ادای شهادت در نزد قاضی، بی‌اعتباری آن در غیر از جلسه تحقیق قضایی یا دادرسی و ... که در راستای حفظ حقوق متهم است، اشاره کرد. و همانطور که گذشت، علمای حقوق نیز، آن را چنان که باید مورد بررسی قرار نداده‌اند. شاید به تاسی از همین شیوه است که رویه قضایی ایران نیز به صراحت و روشنی، موضوع مشروعیت تحصیل ادله و رعایت صداقت و امانت در تحصیل دلیل را مورد توجه قرار نداده است» (کریم زاده، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

با تامل نمودن در رویه قضایی موجود ایران و به ویژه آرای صادره از مراجع عالی قضایی، به روشنی معلوم می‌گردد که هر چند موضوع اصل مشروعیت تحصیل نمودن دلیل به ندرت مورد توجه قرار گرفته است لیکن برخی اصول مسلم دادرسی مانند اصل براءت به عنوان یکی از اصول و قواعد عمومی و هدایتگر حقوق جزا، که جز در پاره‌ای موارد با تاسی از اصل ۳۷ قانون اساسی^۲ همواره مورد احترام و تبعیت بوده است، به دقت مورد عنایت قرار گرفته است. (شمس ناتری، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶). با تامل در مفهوم واقعی اصل براءت که همانا «حفظ ارزش و کرامت انسانی و مصونیت از تعرض به حریم مقدس انسانیت است» (باقر شاملو، ۱۳۸۳، ص ۲۸۲). یعنی اعطای مصونیت

۱. ر.ک: اصول ۱۵۹، ۱۹۶ و ۱۷۰ قانون اساسی،

۲. اصل ۳۷ قانون اساسی: «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

عمومی به فرد شهروندان یک جامعه در مقابل تعرضات و ادعاهای واهی و بی دلیل دیگران تا در جامعه احساس امنیت و آزادی داشته باشند، می توان به رد پای احترام به اصلی مشروعیت تحصیل نمودن دلیل دست پیدا کرد. (سیلوی، ۱۹۹۸، ۳۳۵). چرا که دادرسان مراجع قضایی باید با حفظ استقلال و بی طرفی خود به عنوان یکی از اصول مسلم دادرسی عادلانه، در کلیه مراحل دادرسی، چه به عنوان قاضی ایستاده و چه به عنوان قاضی نشسته، ضمن احترام به سوگند قضایی که در هنگام انتصاب به شغل قضا یاد می کنند، یعنی پاسداری از حق و عدالت و تلاشی در کشف حقیقت و احقاق حق و اجرای عدالت و قسط اسلامی با تکیه بر شرف انسانی خویش،^۱ همواره به دنبال دستیابی به حقیقت و کشف واقعیت باشند و از هر گونه تحریف آن خودداری کنند و نباید این هدف را با هر گونه وسیله ای ولو نامشروع توجیه نمایند.

توجه به این نکته که قضات پس از خاتم رسیدگی باید با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان خود، مبادرت به صدور رای نمایند،^۲ بیانگر این موضوع است که شرافت امر قضا و وجدان قاضی و احترام به ارزش و کرامت انسان و حریم مقدسی انسانیت، اجازه نمی دهد تا بی دلیل و به سادگی، با نقض حقوق افراد و زیر پا گذاشتن شرافت دادگستری با توسل به شیوه های نامشروع، به تحصیل دلیل پرداخت.

۶- محدودیت های قانونی اصل تحصیل آزادانه دلیل

«دلیل در حقوق جزایی آزاد است ولی پذیرش چنین ادعایی به صورت مطلق صحیح نیست. همه چیز باید در پرتو حکومت قانون تعریف شود و دلیل نیز باید توسط قانون تعیین و حدود اعتبار آن معلوم گردد. در نتیجه، اصل آزادی دلیل باید با اصل اساسی دیگری یعنی اصل قانونی بودن هماهنگ باشد. هر چند اصل تحصیل آزادانه دلیل گرایش به تسهیل اثبات وجود بزه و انتساب آن به متهم را دارد و به هر کسی که بار دلیل را برعهده دارد، امکان می دهد تا با هر روشی به تحصیل و ارائه دلیل پردازد ولی در دولت قانون و حقوق، این آزادی نمی تواند تا نقض مقررات قانونی پیش برود و حدود قانونی را درهم بشکند. به همین علت، آزادی دلیل را نباید مترادف با لجام گسیختگی نظام ادله یا آشفته گی آن دانست چرا که در همه سیستم های حقوقی، ادله جزایی باید متضمن شرایطی باشد و اصولی را محترم بشمارد. هر چند دست پیدا کردن به حقیقت و کشف واقعیت هدف دادرسی های جزایی است ولی این مهم از یک طرف، نمی تواند با هر وسیله و شیوه ای به نام دلیل، بدست آید و در این راه، ارزش های اساسی تمدن بشری مخدوش و نادیده انگاشته شود و از طرف دیگر، قانونی بودن دلیل به تنهایی برای عرضه آن به پیشگاه محکمه کافی

۱. ماده ۱۰ آیین نامه «اصلاحیه ماده یک و تبصره ماده یک آیین نامه اجرایی قانون استخدام قضات» مصوب سال ۱۳۷۹

۲. ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری

نیست بلکه باید علاوه بر آن، این دلیل به طریق مشروع و قانونی بدست آمده باشد. براین اساس، اصل تحصیل آزادانه دلیل با محدودیت‌های چندی مواجه گردیده است». (فرخشه، ۱۳۸۵، ۴۸-۵۳).

۶- محدودیت عام - ادله فاقد ارزش قضایی

اصل ۳۸ قانون اساسی ایران ضمن اعلام ممنوعیت راه‌های نامشروع مانند شکنجه و اجبار در اخذ دلیل، اینگونه شهادت‌ها، اقرارها و سوگندها را فاقد ارزش و اعتبار می‌داند و در بسیاری از مواد قانون مجازات اسلامی، دو صفت اختیار و قصد در مورد اقرار پیش‌بینی شده است که در صورت توسل به وسایلی مانند مواد مخدر یا خواب مصنوعی مطمئناً این دو صفت زائل و اقرار بی‌اثر می‌گردد. براساس بند ۲ ماده ۶۲۷ قانون آیین دادرسی جزایی فرانسه قاضی صرفاً می‌تواند تصمیم خود را براساس ادله‌ای که در جریان مذاکرات مطرح و به صورتات حضوری در نزد او بحث می‌شوند، استوار کند. در نتیجه تمام ادله باید مورد بحث آزاد طرفین قرار گیرد و چون علم شخصی قاضی در جلسه دادرسی مطرح نشده و متهم از آن آگاهی نیافته و رد یا قبول اصحاب دعوا در رابطه با آن استماع نشده است، باید از اعداد ادله قابل استناد خارج گردد. دیوان عالی کشور محتویات پرونده، شخصاً از آن‌ها مطلع شده است و استناد به آن‌ها به منظور توجیه ملاک علم و یقین خود، منع نموده است؛ زیرا «در این موارد متهم از اطلاعات شخصی و ذهنی دادرسی اطلاعی ندارد تا در مقام دفاع از آن برآید» و محاکم مسموعات شخصی است، کنترل و نظارت نمایند. تصمیمات قضایی که مبتنی شایعات یا شناخت شخصی قاضی بنا شده‌اند، محکوم به بطلان هستند». استناد به سوابق جزایی و شخصیتی متهم یا ترسیم سیمای جنایی بزهکاران که از طریق آن، یک متخصص روانشناس آگاه به مسائل بزه‌شناسی با توجه به جرایم ارتكابی، سیمای احتمالی مرتکب بزه و هویت بزهکار را ترسیم می‌کند، در حقوق جزایی ایران و فرانسه به عنوان دلیل پذیرفته نشده‌اند. پس برخی از ادله به علت نقض حریم قانون و لطمه به تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص و عدم اثبات اعتبار و ارزش قضایی و حتی علمی آن‌ها در سیستم دادرسی جزایی ایران و فرانسه در زمره ادله نامشروع و فاقد ارزش اثباتی و قضایی به حساب آمده‌اند و اصحاب دعوا و مسوولین تعقیب امر کیفری علیرغم آزادی در تحصیل ادله، از توسل و استناد به آن‌ها منع شده‌اند و مقنن و رویه قضایی، این دسته از ادله خاصی را معتبر نشناخته و صدور حکم بر مبنای آن‌ها را از موجبات نقضی دادرسی دانسته است.

۶-۱- تحصیل دلیل به روش قانونی و مشروع

در یک رویکرد کلی، «چارچوب حقوقی اصل آزادی دلیل در قلمرو جزایی، از یک طرف، به مرزهای «دلیل مشروع» و از طرف دیگر، به مرزهای «مشروعیت تحصیل دلیل محدود شده است. ممنوعیت تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزشی قضایی و تاکید بر اثبات برخی از جرایم با ارائه ادله و شیوه‌های قضایی خاصی همگی به معنای تحدید اصل آزادی دلیل در قلمرو آیین دادرسی جزایی است. قانونی بودن دلیل یا مشروعیت ادله به تنهایی برای ارائه به مرجع جزایی کافی نیست و علاوه بر آن، دلیل باید به راه‌ها مشروع و قانونی تحصیل شده باشد چرا که مهمترین دلیل در اثبات یک واقعه مجرمانه، چنانچه در تحصیل آن ضوابط قانونی و شرایط مقرر نادیده گرفته شده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌گردد» (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹). و این موضوع بیانگر (اصل مشروعیت تحصیل دلیل) است.

در نتیجه، اگرچه می‌توان با توسل به انواع و اقسام ادله مشروع و قانونی، مبادرت به اثبات بزه نمود ولی به هر طریق و شیوه‌ای نمی‌توان دست پیدا کرد و استفاده از هرگونه وسیله و شیوه‌ای که شایسته دستگاه عدالت نیست و موجب لطمه و صدمه به ارزش‌های انسانی می‌گردد، منع شده است؛ فرضاً، در حقوق جزایی ایران، اقرار دلیل قابل پذیرشی است ولی اظهارات متهم باید ارادی و به دور از هرگونه اجبار مادی یا معنوی باشد و به همین خاطر، اصل سی و هشتم قانون اساسی به صراحت آورده است که «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار با کسب اطلاع ممنوع است؛ اجبار شخصی به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است». رویه قضایی کشور ایران نیز در پاره‌ای از آرای خود بر رعایت قانون در تحصیل دلیل و خودداری از هرگونه مکر و حيله در کسب ادله تاکید نموده است.^۱

هنگامی که از ادله مشروع و معتبر صحبت می‌شود، «منظور ادله‌ای است که مقنن یا رویه قضایی آن‌ها را ممنوع ندانسته باشد و بر همین مبنا، مقام تعقیب باید ادله‌ای را به مرجع جزایی ارائه کند که مشروع و معتبر باشد. اما ارائه دلیل به ظاهر قانونی و مشروع چنانچه به راه‌ها نامشروع و غیرقانونی تحصیل شده باشد و رعایت امانت و صداقت در تحصیل آن نشده باشد، در معرض بطلان قرار می‌گیرد. عدم احترام به تمامیت جسمانی و زندگی خصوصی افراد، نقض اصل آزادی اطلاعات و حفظ اسرار حرفه‌ای و حقوق دفاعی متهم یا تحریک افراد به ارتکاب بزه و توسل به فریب و خدعه و شیوه‌های نامشروع در تحصیل ادله به معنای عدول از اصل قانونمندی در اداره دلیل و تجاوز به اصل مشروعیت تحصیل دلیل قلمداد می‌گردد. طبق اصول کلی مهم از آموزه‌های علمای حقوق و رویه قضایی کشور ایران، هر چند کشف حقیقت هدف اساسی در دعاوی جزایی است ولی دکتترین به پشتیبانی رویه قضایی، استفاده از هرگونه شیوه و وسیله‌ای را مجاز نمی‌شمارد و

اصل مشروعیت تحصیل دلیل را بر دو پایه اساسی یعنی صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی و پاسداری از اعتبار و شان عدالت و دادگستر استوار می‌نماید» (بیات، ۱۳۹۰، ۴۶).

۷- مدل‌های تحصیل دلیل در نظام‌های حقوقی

البته در اینجا لازم به ذکر است که میزان پابندی و تبعیت از اصل مشروعیت تحصیل دلیل و درک مفهوم آن، بستگی کامل به برداشت و تلقی سیستم حقوقی از اصل تحصیل آزادانه دلیل دارد. با مطالعه سیستم‌های حقوقی مختلف، می‌توان از اصل آزادی دلیل، پنج مدل مختلف که بعضاً مکمل یکدیگر هستند را ارائه نمود:

۱- در مدل نخست، آزادی دلیل به عنوان آزادی انتخاب از بین مجموعه ادله‌ای که صراحتاً توسط مقنن برای کشف حقیقت پیش‌بینی شده‌اند، تلقی می‌شود. در این مدل، هر دلیل که صراحتاً توسط قانون غیرمشروع شناخته شده باشد، طرد می‌گردد و بر این اساس، یک سیستم بطلان بسیار دقیق بر ادله نظارت دارد. محدود شدن قلمرو ادله قابل پذیرش به ادله‌ای که توسط قانون پیش‌بینی شده است، این مدل را به سیستم ادله قانونی نزدیک می‌نماید چرا که در این مدل، با فهرست ادله جزایی قابل پذیرش مواجه هستیم. این مدل یعنی حصای ادله قابل پذیرش «در حقوق جزایی آلمان و هلند دیده می‌شود. در اینجا، با توجه به دلیل که ارائه می‌گردد، مشروعیت تحصیل دلیل نیز متفاوت خواهد بود؛ منصوص ارائه گردد و به دلیل اهمیت اساسی این موارد، شیوه تحصیل و ارائه آن‌ها برای اتیان سوگند یا طرح درخواست تعقیب در وقت مناسب که توسط ادله غیررسمی و آزاد صورت می‌پذیرد، هیچگونه قاعده‌ای درباره چگونگی تحصیل و ارائه دلیل وجود ندارد و این امر به اختیار محکمه واگذار گردیده است.

۲- در مدل دوم، آزادی دلیل می‌تواند صراحتاً توسط قانون با یک چارچوب مضیق و محدود پیش‌بینی شود. این آزادی شناخته شده در چارچوب قانون، با رعایت دقیق قانون در دادرسی همراه است و در این مدل، اعتبار انواع ادله تابع رعایت قانون در تحصیل آن‌هاست و هر دلیل اکتسابی با نقض دستورات قانونی محکوم به بطلان و رد است.

قانون آیین دادرسی جزایی بعضی کشورهای اروپایی، در مقام بیان قابلیت پذیرش دلیل، ادله‌ای را که به راه‌ها غیرقانونی تحصیل شده باشند را «غیرقابل استفاده» و به عبارتی غیرقابل اعتبار دانسته است. در نتیجه اصل مشروعیت تحصیل دلیل در این مدل به معنای احترام به قانون و رعایت آن در کسب ادله است که عدم رعایت این اصل منجر به بطلان دلیل می‌گردد.

۳- در مدل سوم، آزادی دلیل می‌تواند به عنوان آزادی در توسل به هر نوع دلیل به استثنای ادله لطمه زننده به حقوقی دفاعی متهم ملاحظه شود. در این مدل هر دلیل قابل استفاده برای کشف حقیقت علی‌الاصول قابل پذیرش است مگر ادله‌ای که در تحصیل آن‌ها، منافع اشخاص تحت

تعقیب نقض شده باشد. این مورد می‌تواند از استفاده غیر صحیح از شیوه‌های دقیق قانونی یا نقض قواعد عمومی دادرسی که منجر به لطمه به حقوق دفاعی اشخاصی در جریان تحقیقات یا جلسه دادرسی می‌گردد، ناشی شود. این مدل در رویه قضایی کشور فرانسه و ایران دیده می‌شود چرا که یکی از ابعاد اصل مشروعیت تحصیل دلیل، احترام به حقوق دفاعی متهم است و هر شیوه‌ای که در کسب دلیل، حقوق دفاعی متهم را نادیده انگارد، محکوم به بطلان است.

۴- در مدل چهارم، هر دلیل به استثنای ادله لطمه زنده به کرامت و احترام اشخاصی قابل پذیرش است. ضرورت دلیل و کارآیی عملکرد عدالت جزایی هر چند از اهمیت خاصی برخوردار است اما ارزش آن بالاتر از حقوق اساسی اشخاص نیست. در این مدل حقوقی، اصل کلی آزادی دلیل می‌طلبد که کلیه ادله برای اثبات مجرمیت متهم قابل پذیرش باشد و حتی در برخی موارد، ادله قانونی که از راه‌ها نامشروع تحصیل شده باشند، قابل ارائه به مرجع جزایی هستند؛ با این حال، دادرسی اختیار ارزیابی و اظهار نظر در مورد ادله و احیاناً طرد آن‌ها را دارد. اما به هر حال در این مدل، در خصوص چگونگی تحصیل ادله ضوابط و قواعدی حکمفرماست. در حقوق جزایی کانادا اینگونه است که قاضی ادله غیر منصفانه را طرد می‌کند. در ماده ۲۹ منشور کانادایی حقوق و آزادی‌ها، وصف غیر منصفانه بودن دلیل با دو قید مشخص شده است: تحصیلی دلیل برخلاف حقوق اساسی متهم (حق حیات، ممنوعیت شکنجه، احترام به تمامیت جسمانی و روانی اشخاصی، احترام به حریم خصوصی و...) و استفاده از ادله‌ای که می‌تواند اعتبار دادگستری را زیر سؤال ببرد (عدم رعایت صداقت و مشروعیت در دادرسی توسط مجریان عدالت جزایی). پس در این مدل، اصل آزادی دلیل با اصل مشروعیت تحصیل دلیل در دو بعد احترام به حقوق اساسی افراد و صیانت از اعتبار دادگستری محدود شده است. این مفهوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل در حقوق جزایی ایران و فرانسه دیده می‌شود.

۵- سرانجام، در مدل پنجم، آزادی دلیل به عنوان آزادی مطلق و بی‌قید و شرط درک می‌گردد. در این مدل، هر نوع دلیل که بتواند در مجازات مرتکبین جرایم نقش داشته باشد، به عنوان دلیل قابل پذیرش است بدون اینکه شیوه تحصیل آن، مهم باشد. صدمه به حقوق دفاعی یا حقوق اساسی اشخاصی منجر به بطلان دلیل نمی‌گردد و نقض قواعد مربوط به دلیل حائز اهمیت نیست و فاقد مجازات است. در این مدل اصلی مشروعیت تحصیلی دلیل بی‌معناست و توسل به کلیه شیوه‌ها برای کسب دلیل مجاز است. این مدل در حقوق جزایی چین و کره دیده می‌شود (تدین، ۱۳۸۷، ۹۴-۷۶).

۸- آثار و ضمانت اجرای عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیلی دلیل

تحصیل دلیل در جهت اثبات بزه برای قاضی کفایت نمی‌کند و علاوه بر آن، دلیل باید به طریق مشروع و قانونی تحصیل گردد چون «اصلی‌ترین دلیل در ثبوت یک واقعه مجرمانه، چنانچه در

تحصیل آن ضوابط و مقررات شرعی و قانونی رعایت نگردیده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌گردد». (آشوری، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹). «عدم رعایت برخی از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی‌های جزایی همانند اصل مشروعیت تحصیل دلیل می‌تواند ادله تحصیلی را در معرض بطلان و سلب اعتبار قرار دهد. همانگونه که مقنن در قانون آیین دادرسی جزایی با دقت خاصی، قواعد و مقررات و روش کشف ادله بزه را تعیین و تبیین می‌نماید، باید ضمانت اجرای عدم رعایت این اصول و قواعد قانونی که سیستم دادرسی موظف به تبعیت از آنهاست را نیز می‌باشد مشخص نماید. دعاوی بطلان ادله تحصیلی به علت عدم رعایت این قواعد و مقررات، دعوایی است که مقنن و رویه قضایی در آنها، به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اشخاص ذی‌نفع و منافع اجتماع است». (آشوری، ۱۳۹۱، ۲۹۹).

در حقیقت، باید از یک طرف، «رعایت قواعد دادرسی را به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا تضمین نمود و در نتیجه، به آنها اجازه درخواست بطلان اعمال و اقداماتی که در جریان آنها، قواعد و اصول دادرسی رعایت نشده‌اند را داد و از طرف دیگر، با طرح «ثوری بطلان»، از عدم رعایت این هنجارها و قواعد دادرسی پیشگیری و مجریان عدالت را به رعایت بهتر قواعد و مقرراتی که ممکن است عدول از آن، عملکرد آنها را در معرض بطلان قرار دهد، واداشت. تردیدی وجود ندارد که «مقنن نمی‌تواند از نقض قواعد و مقررات پیش‌بینی شده برای تضمین رعایت قانون و چگونگی تهیه و اثبات دلیل جلوگیری نماید ولی می‌تواند آثار آن را با منع دادرسان از پذیرش اعتبار و ارزش ادله تحصیلی از راه‌ها غیرقانونی و نامشروع از بین ببرد». به همین علت، مقنن اینگونه از ادله را «غیرمفید» یا «نامعتبر» می‌خواند. هر چند در حقوق جزایی ایران، به این موضوع کمتر توجه شده است ولی در ارتباط با ادله نامشروع و غیرقانونی، در حقوق کشورهای مختلف از جمله فرانسه، ضمانت اجرای چندی پیش‌بینی شده است برخی از این ضمانت اجرای جنبه فردی دارد و علیه پلیس یا مقام قضایی خاطی اتخاذ می‌گردد و برخی دیگر، یک تدبیر جزایی ماهوی به نفع متهم و مبنی بر تخفیف مجازات است که به ندرت به مرحله اجرا درمی‌آید ولی مهمترین و موثرترین اقدام، یک تدابیر دادرسی است که مبتنی بر رد اتهام و سلب اعتبار از دلیل است». (تدین، ۱۳۸۷، ۷۶-۹۴).

۸-۱ بطلان و سلب اعتبار از ادله نامشروع

عدم رعایت قواعد دادرسی در هنگام جستجو و جمع‌آوری دلیل، ادله تحصیلی را در معرض بطلان و سلب اعتبار و ارزشی قضایی قرار می‌دهد. «بطلان، مجازات عدم رعایت شرایط اعتبار اعمال حقوقی اسب و عمل باطل شده، فرض می‌گردد که هرگز وجود نداشته است». هر چند در

بین کشورهای مختلف در ارتباط با ادله تحصیل شده به راه‌ها غیرقانونی و نامشروع، رویه واحدی وجود ندارد (محمد آشوری، ۱۳۹۱، ۱۲۲).

نتیجه‌گیری

اصل آزادی دلیل باید با اصل قانونی بودن هماهنگ و محدودیت‌های قانونی را پذیرا باشد. در یک رویکرد کلی، چارچوب حقوقی اصل آزادی دلیل از یک طرف، به مرزهای دلیل مشروع و از طرف دیگر، به مرزهای مشروعیت تحصیل دلیل محدود شده است. ممنوعیت تحصیل ارائه ادله فاقد ارزش قضایی و تاکید بر اثبات برخی از جرایم با ارائه ادله و شیوه‌های قضایی خاص و تحصیل دلیل از روشی قانونی و مشروع همگی به معنای تحدید اصل آزادی دلیل در قلمرو آئین دادرسی کیفری است دلیل به عنوان ترسیم شیوه وصول به واقعیت اعمال، کشف حقیقت است و این کشف حقیقت در خدمت تامین منافع خصوصی افراد و حمایت از منافع و مصالح عمومی است، اما این حقیقت نمی‌تواند به هر شیوه و وسیله‌ای بویژه راه‌ها و شیوه‌های نامشروع و غیرقانونی به دست آید. صرفاً ادله‌ای قابلیت استناد یافته‌اند که مشروع باشند یعنی از سوی مقنن یا رویه قضایی ممنوع اعلام نشده باشند؛ ثانیاً، این ادله مشروع و قانونی از راه‌ها و شیوه‌های مشروع تحصیل شده باشند مفهوم اصل مشروعیت تحصیل دلیل یعنی؛ احترام به قانون در توسل به کلیه روش‌هایی که هدف آن‌ها بدست آوردن دلیل به منظور کشف و اعلام واقعیت است، مفهوم مطلق نیست. این مفهوم در طی قرون متمادی و از مکانی به مکان دیگر، متحول گردیده است و هر روز بر ظرافت آن افزوده شده است و بدون اینکه طرح ثابتی به خود بگیرد، خطوط اصلی آن یعنی احترام به شخصیت و کرامت انسانی و صیانت از اعتبار و عدالت دادگستری نمایان شده است. همه اشخاص اعم از مقامات قضایی و شاکیان خصوصی ملزم به تبعیت از اصل مشروعیت تحصیل دلیل هستند و نمی‌توانند ادله‌ای که مقنن یا رویه قضایی آن‌ها را منع کرده است را به عنوان دلیل مدعای خود یا اثبات مجرمیت ارائه کنند. ارائه دلیل به ظاهر قانونی و مشروع، چنانچه به راه‌های نامشروع و غیرقانونی تحصیل شده باشد، در برخی موارد، سبب سلب ارزش اثباتی آن دلیل می‌گردد و همین امر به تنهایی بیانگر مفهوم نسبی بودن مشروعیت در تحصیل نمودن ادله است. در واقع؛ «اصل مشروعیت تحصیل دلیل با شیوه‌های گوناگون با اصول بنیادین و اساسی نظم حقوقی به مبارزه برمی‌خیزد و بر تحصیل نمودن ادله منطبق با رعایت حقوق فردی و کرامت دادگستری تاکید می‌نماید». این اصل، از یک طرف، به مسئولین جستجوی ادله در دعاوی کیفری، اجتناب از کلیه سوءاستفاده‌هایی که اصل آزادی دلیل می‌تواند به دنبال داشته باشد را تحمیل می‌نماید و از طرف دیگر، به دنبال برقراری تعادل بین برخی از اصول دادرسی از جمله اصل تحصیل آزادانه دلیل، احترام به کرامت و شان اشخاص،

دادرسی منصفانه و حقوق و تکالیف دست‌اندرکاران دعوای کیفری است و تعادل بین این اصول و تضمین حقوق، جز با صیانت از حقوق افراد بشر و احترام به اعتبار و شان مجریان عدالت کیفری ممکن نیست. قواعد عمومی اصل مشروعیت تحصیل دلیل در پرتو اصل قانونی بودن، تحصیل نمودن ادله از طریق مکر و حيله را ممنوع می‌سازد و بر همین مبنا، اجازه به کارگیری و استفاده از وسایل و شیوه‌های مخالف با حریم انسانیت را نمی‌دهد مدعیان خصوصی در دعوای کیفری، ملزم به تبعیت از قواعد حقوق جزا، اصول کلی حقوقی و نتایج آن یعنی اصل برائت، اصل قانونی بودن و اصل مشروعیت تحصیل نمودن ادله هستند. هر چند اصل مشروعیت تحصیل دلیل به صراحت در آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است ولی با دقت در برخی اصول دادرسی مانند اصل برائت، به عنوان یکی از اصول و قواعد عمومی و هدایتگر حقوق جزا و تامل در مفهوم آن که همانا حفظ ارزش و کرامت انسان و مصونیت از تعرض به حریم مقدس انسانیت و حمایت از شهروندان در مقابل تعرضات و ادعاهای واهی دیگران است. محتوای اصل مشروعیت تحصیل دلیل باید در تمامی مراحل دادرسی کیفری مورد احترام قرار گیرد و همواره بین حقوق و آزادی‌های فردی از یک طرف و منافع اجتماعی از طرف دیگر، تعادل و توازن برقرار شود. بر این اساس، به منظور احترام به حقوق و آزادی‌های افراد باید توسل به شیوه‌ها و راه‌های نامتعارف و نامشروع در تحصیل دلیل از سوی مراجع ذیصلاح ممنوع باشد و صرفاً به طور استثنایی در جرایم کاملاً خطرناک و مضر به حال اجتماع، تحت شرایط خاص و قانونمندی اجازه عدول از این اصل داده شود و در کشف جرایم و اثبات آن‌ها، تناسب شیوه‌های جمع‌آوری دلیل با خطر اجتماعی ناشی از بزه مورد توجه قرار گیرد ولی هرگز نباید اصل تناسب شیوه تحصیل دلیل با اهمیت بزه ارتكابی مورد سوءاستفاده توجیه‌گرانه برای تمسک به راه‌های غیرمشروع در تحصیل نمودن ادله قرار گیرد. احترام به قانون با ایجاد ممنوعیت در استفاده از شیوه‌های متقلبانه و محیلانه توسط اداره‌کنندگان دلیل، هدف اصل مشروعیت تحصیل را می‌سازد و از اینگونه اقدامات که تحصیل دلیل و کشف حقیقت را خدشه‌دار و به مشروعیت تحصیل نمودن ادله لطمه وارد می‌آورد، منع می‌نماید.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵) *لسان العرب*، جلد ۱، انتشارات دار بیروت.
- احمد کریم زاده (۱۳۸۱) *آراء دادگاه‌های عالی انتظامی قضات در امور کیفری*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- استفانی، گاستون و دیگران، (۱۳۷۷)، *آیین دادرسی کیفری*، ترجمه حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، جلد اول.
- آشوری، محمد (۱۳۹۱) *آیین دادرسی کیفری*، چاپ شانزدهم، تهران، نشر سمت، جلد دوم.
- بیات، شقایق (۱۳۹۰) *قواعد حاکم بر تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران و انگلیس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- پورزند مقدم، پژمان (۱۳۷۹) *مطالعه تئوری دلیل در دادرسی کیفری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.
- تدین، عباس (۱۳۸۷) *نظریه بطلان دلیل در فرآیند دادرسی کیفری (با تاکید بر حقوق فرانسه)*، مجله تحقیقات حقوق آزاد، دوره اول، شماره ۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۸) *دانشنامه حقوقی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، جلد چهارم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۴) *ترمینولوژی حقوق*، چاپ بیست و هفتم، تهران، گنج دانش.
- خزانی، منوچهر (۱۳۸۷) *فرآیند کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.
- شاملو، باقر (۱۳۸۳) «*اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی*» علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۳.
- شمس ناتری (۱۳۸۳) محمد ابراهیم، «*اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری*»، علوم جنایی تهران، نشر سمت.
- صادقی، منوچهر (۱۳۹۵) *مطالعه تطبیقی دلیل و جایگاه آن در نظام کیفری ایران و فقه شافعی*، دوره پنجم، شماره هفدهم، صفحه ۴۳-۱۷.
- صدر زاده افشار، سید محسن (۱۳۸۵). *ادله اثبات دعوا در حقوق ایران*، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- معین، محمد؛ دهخدا، علی‌اکبر؛ شهیدی، سیدجعفر؛ احمدی‌گیوی، حسن (۱۳۷۷). *لغت‌نامه (جلد ۱۵)* ناشران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، روزنه.
- فرخنده، علی (۱۳۸۵) *تحصیل دلیل در حقوق کیفری، نشریه دادرسی*، دوره اول، شماره ۵۷، ۵۳-۴۸.

- Sylvie Josserand, (1998), *l'impartialité du magistrat en procédure pénale paris*, L.G.D.J
- Marie Barel, (2007), "*Fraude informatique et prevue: la quadrature du cercle?*", Acts du symposium SSIIC